

جایگاه حضرت علی(ع) در منابع حدیثی مکتب بریلویه

سید حسین رضوی *

چکیده

این تحقیق به بررسی جایگاه و ویژگی‌های حضرت علی(ع) از دیدگاه مکتب بریلویه، یکی از فرقه‌های مهم اسلامی در شبه قاره هند، می‌پردازد. بریلویه که توسط احمد رضا خان بریلوی در قرن نوزدهم میلادی بنیان‌گذاری شد، ترکیبی از تصوف و تسنن است و از لحاظ فقهی حنفی و از نظر کلامی تحت تأثیر ماتریدیه و اشعری است. این پژوهش با استناد به منابع بریلویه، به تحلیل عقاید این مکتب درباره حضرت علی(ع) و نقش ایشان در اسلام می‌پردازد. یافته‌های تحقیق که به شیوه توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای مطالب صورت پذیرفته، نشان می‌دهد که بریلویه حضرت علی(ع) را به عنوان جانشین باطنی پیامبر(ص) و دارای مقام ولایت می‌داند و ایشان را در علم، شجاعت، پارسایی و فضایل اخلاقی سرآمد صحابه می‌شناسد. همچنین، این مکتب با استناد به احادیثی مانند حدیث غدیر، حدیث منزلت و حدیث باب علم، بر جایگاه ویژه حضرت علی(ع) تأکید دارد.

واژگان کلیدی: بریلویه، شبه قاره، امام علی(ع)، احمد رضا خان بریلوی

* دانش آموخته سطح چهار مطالعات تطبیقی کلامی سلفیه و امامیه، جامعه المصطفی العالمیه، arazavi@gmail.com



مقدمه

در جهان اسلام، مکاتب و فرقه‌های مختلفی وجود دارند که هر یک با رویکردی خاص به تفسیر آموزه‌های دینی و سیره پیشوایان مذهبی می‌پردازند. یکی از این مکاتب، «بریلویه» است که در شبه‌قاره‌ی هند ظهور کرد و به‌عنوان یکی از جریان‌های فکری تأثیرگذار در میان اهل سنت شناخته می‌شود. این مکتب، با ترکیبی از آموزه‌های فقهی، کلامی و تصوف، به ویژه تحت تأثیر اندیشه‌های احمد رضا خان بریلوی، به تبیین عقاید و باورهای خود پرداخته است. بریلویه با نگاهی ویژه به مقام و جایگاه اهل بیت پیامبر (ص)، به‌ویژه حضرت علی (ع)، دیدگاه‌هایی را ارائه کرده که در برخی موارد به دیدگاه‌های شیعه نزدیک می‌شود. این مکتب، حضرت علی (ع) را به‌عنوان جانشین باطنی پیامبر (ص) و محور ولایت می‌داند و فضایل و مناقب بی‌شماری را برای ایشان برمی‌شمارد. از این رو، بررسی دیدگاه‌های بریلویه درباره‌ی حضرت علی (ع) می‌تواند افق‌های جدیدی را در مطالعه‌ی مشترکات و تفاوت‌های میان مذاهب اسلامی بگشاید.

این تحقیق با هدف واکاوی جایگاه حضرت علی (ع) در اندیشه‌ی بریلویه، به بررسی منابع و متون این مکتب می‌پردازد و با استناد به روایات و آرای علمای برجسته‌ی بریلویه، ویژگی‌های علمی، اخلاقی و معنوی امام علی (ع) را تحلیل می‌کند. امید است این پژوهش گامی در جهت تقویت گفت‌وگوی میان‌مذهبی و شناخت بیشتر سیره‌ی آن امام همام باشد.

۱. معرفی بریلویه

این کلمه اصل «بریل» بوده که یک شهری نزدیک دهلی در هندوستان می‌باشد. چون احمد رضا خان مؤسس مکتب بریلویه در این شهر بوده لذا پیروان او را «بریلویه» می‌نامند.

مکتب بریلویه آمیزه‌ای از تصوف و تسنن است بطوری که از لحاظ فقهی حنفی هستند و از لحاظ کلامی آمیزه‌ای از اشعری و ماتریدیه اندولی بیشتر مایل به ماتریدیه هستند و در عمل نیز متأثر از تصوف می‌باشد. (اقب، پاکستان کے دینی مسالک، ص ۲۰)

این فرقه فراگیرترین فرقه ای است که در شبه قاره هند در عصر جدید است. این فرقه به دست احمد رضا خان بریلوی بنیانگذاری شد. وی در ۱۰ شوال ۱۲۷۲ هـ مطابق ۱۴ ژوئن ۱۸۵۶ م (قادری رضوی، ، حیات اعلی حضرت، لاهور، ص ۵۶) در شهر بریلی در محله جسولی متولد شد سپس نزد پدر و سید احمد دحلان مکی (درمکه) درس خواند. او به دست سید آل رسول حسینی در طریقه قادریه بیعت کرد (همان، ص ۶۷). وی بعد از اتمام دروس به تدریس و تألیف روی آورد و کتابهای زیادی را به رشته تحریر در آورد. از مهمترین کتب وی «الفتاوی الرضویه» ملفوظات، احکام شریعت و ... می باشد. وی در سال ۱۳۴۰ ق از دنیا رفت (همان ص ۱۰۲۷).

از بزرگان بریلویه می توان از امجد علی اعظمی، سید نعیم الدین مراد آبادی، احمد یار خان نعیمی و محمد عبدالحامد بدایونی نام برد.

مهمترین عقاید آنها در باب صفات و رابطه آنها با ذات این است که صفات نه عین ذاتند و نه غیر ذات و قائلند که خداوند متصف به تمام صفات کمال است (مراد آبادی، کتاب العقاید، ص ۲).

آنها مقام پیامبر را بسیار بلند می دانند و معتقدند که نور پیامبر قبل از تمام خلائق خلق شده و علمش علم ما کان و ما یکون است (اعظمی، بهار شریعت، ج ۱، ص ۱۰۵). آنها در باب خلافت قایل به دو نوع خلافت هستند. خلافت ظاهری که ابوبکر خلیفه اول است و خلافت باطنی (ولایت) که حضرت علی (ع) خلیفه و امام اول است. آنها ائمه شیعه از امام علی تا امام حسن عسکری را غوثهای عالم می دانند. بنابر نظر بریلویه، مردگان در قبر زنده اند و کلام ما را می شنوند لذا بنای قبور و نذر برای آنها جایز است (قادری، مزارات اولیاء اور توسل، ص ۱۰۴)، آنها توسل و شفاعت را نیز قبول دارند. (نظری، عقیده توسل، ص ۵)

بریلویه برای اهل بیت پیامبر احترام بسیاری قایل است و در رابطه با آنها فضایل و مناقب بسیاری را نقل کرده اند. مخصوصاً اصحاب کساء در نزد ایشان از احترام خاصی برخوردارند.

آنها به مهدویت نیز اعتقاد دارند (رضوی، ظهور امام مهدی کب اورکھان؟ ص ۱۱)

۲. حضرت علی (ع) از دیدگاه اندیشمندان بریلویه

حضرت علی در نزد بریلویه دارای مقام و جایگاه بسیار بلندی دارند. همانطور که قبلاً عرض شد آنان حضرت علی را جانشین در مقام ولایت پیامبر می دانند و اگرچه خلفای ثلاثه را نیز بعنوان جانشین در ولایت می دانند ولی آنها، حضرت را در ولایت به مرتبه تکمیل ولایت می دانند بریلویه در این مورد قایلند که:

«پیامبر اکرم جانب کمالات نبوت را در شیخین و جانب کمالات ولایت را در مولی علی به مرتبه تکمیل رساندند (اعظمی، بهار شریعت، ج ۱، ص ۲۱۴)»
و منظور از مرتبه تکمیل ولایت، برخی تصریح دارند که تمام اولیاءالله از نسل حضرت علی می باشد (همان) و برخی نیز در توجیه این جمله می گوید که تمام اولیای الهی محتاج نظر مولی علی می باشند (قادری، کشف الحقایق، ص ۸۵).
خلاصه اینکه مقام حضرت علی از نظر آنها بسیار بالا هستند در ذیل به نظریه برخی مشاهیر بریلویه را در مورد حضرت علی بیان می کنیم:

۱-۱. نظریه شیخ احمد سر هندی ملقب به مجدد الف ثانی

«... پیشوای واصلان این راه و سر گروه این ها و منبع فیض این بزرگواران حضرت علی مرتضی است و این منصب عظیم الشان به ایشان تعلق دارند. ... انگارم که حضرت امیر قبل از نشأ عنصری نیز ملاذ و ملجأ این مقام بوده اند چنانچه بعد از نشأ عنصری این گونه اند؛ و هر که را فیض و هدایت از این راه می رسید توسط ایشان می رسید ... و چون دوره حضرت امیر تمام شد، این منصب عظیم القدر به حضرات حسنین ترتیباً مفوض و مسلم گشت و بعد از ایشان، همان منصب به هر یکی از ائمة اثنا عشر علی الترتیب و التفصیل قرار گرفت» (مجدد الف ثانی، گزیده مکتوبات امام ربانی، ص ۵۷۴)

۱-۲. نظریه احمد رضا خان بریلوی



«تکمیل و ارشاد باطنی از آن اوست و تمام غوث، قطب، ابدال و اوتاد محتاج اویند... تمام اقطاب در تحت فرمان مدبرانه اوست، اگر چه واسطه فیض و خلیفه اعظم خداوند، پیامبر اسلام می باشد و هرچه میسر می شود از آن فیض پیامبر است ولی جانشین حقیقی پیامبر در این زمینه مولی علی هستند لذا در دنیا برای هر که هر چه میرسد بوسیله اوست تا آنجا که در عرف مسلمانان بعنوان مشکل کشا شهرت یافت و ناد علیا مظهرالعجایب شهره خاص و عام شدند» (بریلوی، مطلع القمرین فی ابانه سبقة العمرین، ص ۷۸).

۱-۳. نظریه سید محمد حسینی ملقب به گیسو دراز

«خلافت دو قسم دارد خلافت کبری و خلافت صغری. خلافت کبری به «خلافت باطنی» میگویند و خلافت صغری به «خلافت ظاهری» میگویند. خلافت کبری برای حضرت علی مخصوص است و این قول مورد اتفاق همه است» (گیسودراز، جوامع الکلم مجموعه ملفوظات گیسودراز، ص ۱۷۳).

۱-۴. نظریه قاضی ثناءالله پانی پتی

فیوض و برکات کارخانه ولایت که از جانب الهی بر اولیاءالله نازل میشود اول بر یک شخص نازل می شود

و از آن شخص قسمت شده به هر یک از اولیای عصر، موافق مرتبه و بحسب استعداد می رسد و به هیچ کس از اولیاءالله بی توسط او فیضی نمی رسد و کسی از مردان خدا بی وسیله او درجه ولایت نمی یابد اقطاب جزئی، اوتاد، ابدال، نجباء و نقباء و جمیع اقسام از اولیای خدا به وی محتاج می باشند صاحب این منصب عالی را امام و قطب الارشاد بالاصاله نیز خوانند و این منصب عالی از وقت ظهور آدم (ع) بر روح پاک علی مرتضی (کرم الله وجهه) بود (پانی پتی، السیف المسلول، ص ۵۲۷).

و در تفسیر مظهري، ایشان می نویسد که:

و كان قطب ارشاد کمالات الولاية على عليه السلام ما بلغ احد من الامم السابقة درجة الاولياء الا بتوسط روحه رضى الله تعالى عنه ثم كان بتلك المنصب الائمة الكرام ابناؤه الى الحسن العسكري (پانى پتى، تفسير مظهرى، ص ۲۳۷).

۳. زندگى نامه حضرت على (ع) در منابع بریلویه

امام اول، خليفه چهارم حضرت على بن ابيطالب، كنيه ابوالحسن و ابو تراب است (احمد، مناقب على، ص ۳)

امام على كنيه ابو تراب را از ديگر كنيه ها بيشتر خوش مى داشت زيرا پيامبر وى را با همين كنيه خطاب مى كرد (همان). از القاب هاى او اسد الله، حيدر و مرتضى است (همان).

على بن ابيطالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف در روز جمعه ۱۳ رجب سال سى ام عام الفيل در شهر مکه و در درون كعبه چشم به جهان گشود (سرور، مناقب سيدنا على مرتضى، ص ۵۳)

ابو طالب پدر آن حضرت كه نامش عبد مناف بود يكي از عموهاى پيامبر اكرم و بزرگ خاندان هاشم و يكي از سران مکه و قریش به شمار مى رفت و مادرش فاطمه بنت اسد نيز از بنى هاشم بود از اين رو آن حضرت از دو طرف هاشمى به حساب مى آيد (همان ص ۲۲)

على كه از كودكى در خانه پيامبر بزرگ شده بود (اويسى، فضائل حضرت على مرتضى، ص ۴) اولين كسى بود كه پس از بعثت محمد به پيامبرى در نوجوانى به او ايمان آورد (سرور، مناقب سيدنا على مرتضى، ص ۲۵)؛ و بر اين قول دليل اجماع صحابه هم است (همان).

چون آيه «و انذر عشيرتک الاقربين» نازل شد، پيامبر پس از جمع نمودن خويشاوندان خود دعوت آنان را براى پذيرش اسلام اظهار نمود و از آنان براى تبليغ دين اسلام در بين ساير مردم يارى طلبيد و فرمود: کدام يك از شما مرا در اين كار كمک مى کند تا برادر و وصى من و خليفه من در ميان شما باشد.



در حالی که همه مهر سکوت بر لب زده بودند علی قیام کرد و گفت «ای رسول خدا آن منم» (قادری، سیرت حضرت سیدنا علی مرتضی، ص ۳۳)

در شبی که قریش قصد داشت پیامبر را به قتل برساند که از آن به لیلۃ المبیت یاد شده است پیامبر از مکه گریخت در آن شب علی در خوابگاه پیامبر خوابید (نوری، مرتضی مشکل کشا مولی علی، ص ۶۴) تا دشمنان نتوانند قصد شومشان را عملی کنند. علی یکی از مؤثرترین جنگاوران سپاه پیامبر بود و در تمامی جنگ های پیامبر به جز جنگ تبوک او را همراهی کرد. او بیش از هر کس دیگری دشمنان پیامبر و اسلام را کشت (همان ص ۱۲۹).

در جنگ احد و حنین که سپاه مسلمانان شکست خورد و گریخت از محدود افرادی بود که با پیامبر ماند و از جان او دفاع کرد. در جنگ خندق قهرمان عرب عمرو بن عبدود را شکست داد. در جنگ خیبر سپاه اسلام به فرماندهی او قلعه های مستحکم خیبر را فتح کرد (همان)

علی در واقعه مباحله به اتفاق همسر و فرزندانش همراه پیامبر بود (همان ص ۳۴۸) علی بعد از سه روز از کشته شدن عثمان خلیفه سوم بخاطر اصرار مسلمانان برای خلیفه شدن خلافت را قبول کرد. بعد از قبول خلافت در دوران خلافت علی با جنگ های داخلی مواجه می شود مخصوصا جنگ های جمل و صفین و نهروان. بریلویه حق را در این جنگ ها به علی می دهد و تصریح می کند که عایشه و معاویه در این جنگ ها دچار خطای اجتهادی شده اند (سرور، مناقب سیدنا علی مرتضی، ص ۱۷۳).

سر انجام، ابن ملجم در ۱۹ ماه رمضان چنان ضربتی بر فرق مبارک زدند و حضرت زخمی شدند؛ و بقول اکثر مورّخین در روز ۲۱ رمضان شهید شدند (چشتی، خلفای رسول، ص ۱۹۵)

۴. ویژگی های حضرت علی (ع) از دیدگاه بریلویه

۴-۱. جایگاه علمی

حضرت علی عالم ترین صحابه بود و در مسائل مغلق و پیچیده به ایشان مراجعه می شد (نقشبندی، ولایت سیدنا علی، ص ۱۱۴). آنچه به پیش دستی ایشان در عرصه علم گواهی می دهد اینست که حضرت عبدالله بن عباس و عبدالله بن مسعود با وجود آن دانش و بزرگواری شان تفسیر را از حضرت علی آموختند (سرور، مناقب سیدنا علی مرتضی، ص ۱۹۰)، چنان چه حضرت عبدالله بن عباس می گوید: تفسیر قرآن را از علی بن ابی طالب فرا گرفتیم؛ و حضرت ابن مسعود گفت:

هر کس را که از خود دانایتر به قرآن بیابم نزدش می روم گر چه راه خیلی طولانی هم باشد کسی به او گفت آیا از علی تفسیر را آموختی گفت: آری آموختم.

عامر بن وائله گفت روزی دیدم که حضرت علی (رض) در خطبه خود می گفت هر شکلی دارید و در هر موضوعی دچار اشتباه هستید از من سؤال کنید و درباره قرآن از من پرسان کنید چرا که هر آیت را می دانم که در شب نازل شده یا در روز و آیا در دشت نازل شده یا در کوه (توکلی، تاریخ و سیرت سیدنا حضرت علی، ص ۱۱۴).

وقتی حضرت علی از نعمت های خداوند که به او عنایت شده بود صحبت می کرد می گفت: به خدا قسم هیچ آیه نازل نشده مگر این که می دانم در چو مورد نازل شده و در کجا نازل شده است، یقیناً خدا برایم قلب فهمای و زبان گویای بخشیده است

این مشت نمونه خروار از علوم و معارفی است که حضرت علی حاصل کرده بود. این همه علم و دانش او جای تعجب و شگفت نیست چرا که در خانه نبوت پرورش یافته و از انوار رسالت محمدی مستفید شده است (سرور، مناقب سیدنا علی مرتضی، ص ۱۸۳).

۴-۲. شجاعت و دلیری

در شجاعت ذات علی در آن زمان بی نظیر بود همه بر این اتفاق دارند که علی از همه صحابه شجاع تر بود و در شجاعت کسی به آن حضرت نمی رسید برخی از موارد آن عبارتند از:

۱. حضرت علی (رض) در شب هجرت خود را فدای پیغمبر کرد، آن گاه که در بستر ایشان خوابید و فردایش امانت های که نزد پیامبر اسلام بود به صاحبان آنها رسانید (نوری، مرتضی مشکل کشا مولی علی، ص ۱۲۹).

۲. در غزوه خندق در مقابل عمرو بن عبدود ایستادگی کرد تا او را کشت، وقتی که عمرو آن اسب سوار مشهور عرب در مقابل مسلمانان آشکار شده و قدرت نمایی می کرد و اسب خود را جولان می داد و مبارز می طلبید، حضرت علی بلند شده و گفت ای رسول خدا من با او می جنگم پیغمبر گفت بنشین که عمرو است. باز هم عمرو با استهزاء به مسلمانان می گفت: کجاست جنت شما که گمان می برید اگر کشته شوید به آنجا می روید؟ چرا یکی از مردان شما آشکار نمی شود؟ دوباره حضرت علی (رض) گفت: من در مقابل او خود را آشکار می کنم، رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) فرمود بنشین. مرتبه سوم عمرو فریاد برآورد و مبارز طلبید. لذا حضرت علی خود را به او نشان داد. عمرو گفت تو کیستی؟ گفت من علی هستم، عمرو گفت علی بن عبدمناف؟ علی گفت: من علی بن ابی طالب هستم...

عمرو گفت از خود بزرگتری را بفرست چرا که من خوش نیستم خون تو را بریزم حضرت علی گفت من دوست دارم خون تو را بریزانم، بعد از آن بین شان برخورد سهمگین رونما شد و بالاخره حضرت علی توانست عمرو را مغلوب ساخته به قتل برساند که همه اسب سواران مشرک چون که کشته شدن اسب سوار ماهر خود را دیدند می خواستند فرار نمایند (همان ص ۱۳۳).

۳. در غزوه سر نوشت ساز بدر با ولید بن عتبه رویاروی کرده و او را به جهنم فرستاد. هم چنان حضرت علی از موقف های ارزنده و شهیر بر خوردار بودند که همه به دلاوری و قوت ایمان شان به پروردگار عالم دلالت دارد؛ و نیز حضرت علی در تمام غزوات اسب سوار چیره دست مسلمین بوده و مورد توجه خاص رسول خدا قرار داشت.

لذا هرگز موقف شگفت انگیز او را در غزوه خیبر فراموش نمی کنیم، این در حالی بود که فتح خیبر به مشکل مواجه گردید و پیغمبر گفت: فردا بیرق را به کس می دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش او را دوست می دارند. لهذا همه منتظر بودند که این افتخار نصیب چه کسی خواهد شد؟ که ناگاه شنیدند پیامبر اسلام حضرت علی را فراخواند و بیرق را به او تسلیم کرد و حضرت علی در آن روز چشم درد بود پیغمبر برایش دعا کرد و لعاب دهن خود را به چشم او مالید به امر خداوند شفایاب شد و دیگر هرگز چشم درد نشد. در غزوه خیبر حضرت علی با یک یهودی درگیر بود که یهودی حضرت علی را ضربه زد تا سپهر از دستش افتاد و حضرت علی دروازه را گرفت و برای خود سپهر قرار داد و بر یهودی یورش برد تا او را کشت و قلعه خیبر را فتح نمود (همان ص ۱۳۵).

۳-۴. پارسائی و فروتنی

معاویه برای ضرار گفت: اوصاف حضرت علی را برایم بیان کن، ضرار معذرت خواست، معاویه گفت باید توصیفش کنی! پس ضرار گفت بشنو: به خدا قسم هدف گرا و نیرومند بود به نیکی امر می کرد و به عدالت حکم می نمود و دانش و فرزاندگی از تمام جوانب او می تراوید و تمام سخنانش دارای حکمت بود، از دنیا و خوشرنگی های آن متنفر بوده و به تاریکی نیمه شب انس داشت. بسیار پندپذیر بوده و اندیشه عالی داشت و از لباس کوتاه و غذای عادی خوشش می آمد.

در بین ما مثل یک نفر ما بود که هر گاه از او پرسشی می کردیم پاسخ مان می داد و از او طلب آگهی می کردیم آگاه مان می کرد، دینداران را احترام کرده و به مساکین و فقراء دلا سائی می نمود، زورمندان به خاطر پیشبرد امور باطل خود هیچ امیدی به او نداشتند و ضعیفان از عدالت او ناامید نبودند.

گواهی می دهم که باری در نیمه های شب او را دیدم که ریش خود را بدست داشته مانند مارگزیده ناآرام بود؛ و به شدت گریه می کرد و می گفت: ای دنیا! دیگری را به فریب



ب سوی من یورش برده ای یا مشتاق من شده ای خیلی بعید است که فریب تو را بخورم
چرا که تو را سه طلاقه کردم و دیگر توان رجوع هم به تو نیست.
ای دنیا! عمر تو کوتاست و ارزش تو فرومایه، و حسرتا از قلت توشه و دوری سفر و
خطرات راه.

در این وقت حضرت معاویه گریه کرد و گفت: خداوند ابوالحسن (حضرت علی
رض) را مرحمت کند واقعاً این طور انسان مبارکی بود که گفتی؛ و چگونه است اندوهگینی
تو ای ضرار؟ گفت: مانند کسی که فرزندش در پهلویش سربریده شود (سرور، مناقب سیدنا
علی مرتضی، ص ۲۴۳)

از یکی روایت شده که گفت حضرت علی را دیدم در بازار شمشیر خود را می
فروخت و می گفت این شمشیرم را کی می خرد قسم به ذاتی که دانه را می شکافت به
توسط این شمشیر غم و اندوه را از چهره رسول خدا زدوده ام اگر نزد پول خریدن یک آزار و
لنگ می بود هرگز شمشیر را نمی فروختم (توکل، تاریخ و سیرت سیدنا حضرت علی، ص
۱۲۱).

اینها نمونه ای از ویژگی های حضرت علی از نگاه بریلویه بود آنها به غیر از اینها
ویژگی های فراوانی دیگر نیز ذکر کرده اند که ذکر همه آنها موجب اطاله کلام می شود لذا
از ذکر آنها صرفه نظر می کنیم. خلاصه اینکه بریلویه، حضرت علی را در اوصاف و ویژگی
سر آمد همه صحابه میدانند.

۵. احادیث فضایل حضرت علی (ع) در منابع بریلویه

بریلویه، معتقد است که آیات و روایات زیادی در مورد فضیلت حضرت علی وارد
شده که شاید در مورد هیچ صحابی یا شخصیت بزرگ زمان پیامبر این مقدار وارد نشده
است (نقشبندی، قاسم ولایت سیدنا علی، ص ۹۹)، برخی تصریح دارد که بیش از سیصد
آیه در قرآن در شان حضرت علی وارد شده است (همان ص ۱۰۰).

اینجا به چند روایت خیلی مشهور از نظر بریلویه، اشاره خواهیم کرد. این چند روایت از نظر آنها روایت صحیح، برخی هم در حد تواتر است لذا در درستگی این روایت هیچ شک و تردیدی نیست.

پیغمبر (ص) محبت و دوستی به او را نشانه ایمان و دشمنی با او را نشانه منافقت گردانیده و فرمود: «قال رسول الله لا يحب الله لا يحب عليا منافق و لا يبغضه مومن (محسن، سیرت پاک حضرت علی، ص ۱۴۵)» هر کس با تو دوستی کرد مؤمن بوده و هر که با تو دشمنی کند منافق است.

و نیز برایش فرمود: «قال ان عليا مني و انا منه (همان ص ۱۴۶)» تو از من هستی و من از تو و باز فرمود: «لا عطین الراية غداً رجلا يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله لا يرجع حتى يفتح الله على يديه (نوری، مرتضی مشکل کشا مولی علی، ص ۱۳۴)» حقیقتاً علی خدا و پیغمبرش را دوست دارد و خدا و رسولش (ص) او را نیز دوست می دارند.

زمانی که رسول خدا (ص) حضرت علی را در غزوه تبوک جانشین خود مقرر کرد، حضرت علی گفت:

ای رسول خدا (ص) مرا در بین زنان و کودکان جانشین خود گماشتی؟ رسول معظم اسلام برایش گفت: «انت مني بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي (نجیب الرحمن، خلفای راشدین، ص ۱۶۴)»

آیا راضی نیستی که نسبت به من جایگاهی داشته باشی که هارون نسبت به موسی داشت مگر این که بعد از من پیغمبری وجود ندارد

۵-۱. حجة الوداع و خطبه غدیر

علی (ع) در حجة الوداع در حالی که از نجران (یکی از شهرهای یمن) باز می گشت خود را به پیامبر رسانید تا در رکاب آن حضرت مناسک حج را انجام دهد. در این حج رسول خدا یکصد نفر شتر برای قربانی به همراه داشت شصت و سه شتر را به دست خویش



نحر کرد (این تعداد برابر با سالهای عمر ایشان بود) و سپس به علی فرمود که باقی مانده را از جانب وی گلو ببرد (نحر کند) و بدین ترتیب یکصد قربانی کامل شد.

بعد از آن که رسول الله سه روز ایام تشریق را در منا گذرانید رهسپار کعبه شد و طواف وداع را انجام داد و سپس به مردم فرمان داد که به خانه های خود برگردند و خود با همراهانش به سوی مدینه حرکت کرد. چون به

غدیر خم رسید خطبه ای ایراد نمود و در آن خطبه فضایل علی را بر شمرد و فرمود:
«من كنت مولاه فهذا علي مولا اللهم وال من والاه و عاد من عاداه (امجدی، خلفای راشدین، ص ۱۳۹)» هر کس مرا دوست دارد علی را نیز دوست داشته باشد خدایا هر که با او دوستی کند او را دوست بدار و هر که با او دشمنی کند او را دشمن بدار و در یک روایت دیگر که، روایتی مهمی است میفرماید: «انا مدینه العلم و علی بابها فمن أراد العلم فليأت الباب (همان)» من شهر علم هستم و علی دروازه آن است، پس هر کس علم می خواهد، از دروازه آن آید.

۵-۲. حدیث منزلت

این روایت از این قرار است که پیامبر خبردار شدند که روم که یکی از دو ابر قدرت آن زمان بود آماده ای جنگ با مسلمانان است. پیامبر نیز برای این جنگ آماده شدند این جنگ به جنگ تبوک مشهور است پیامبر امام علی را همراه خود نمی برد و این جنگ تنها جنگی است که امام علی حضور ندارد. امام علی نیز از پیامبر سوال می کند که مرا همراه خود نمی برید.

در آن وقت پیامبر این حدیث را می فرماید:

« انت منی بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي » (احمد، مناقب علی ص

(۴۵)

« تو برای من به منزله هارون هستی برای موسی ، جز این که پیامبری پس از من نیست » اگر تو را الان به جای خودم در مدینه می گذارم به این خاطرات که تو وصی و جانشین من هستی همان طور که موسی وقتی از میان بنی اسرائیل خارج می شد. برادرش

هارون را به جای خود می گذاشت، اما تنها تفاوت که میان تو و هارون است، این است که هارون به مقام نبوت هم رسید. اما چون من آخرین پیامبر هستم بعد از من به مقام نبوت نخواهی رسید. (همان)

۵-۳. حدیث باب علم

روایت بعدی که آن هم از روایت متواتر و متفق علیه است روایتی است از پیامبر که فرمودند: انا مدینه العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیأت الباب. (معطفالی، نجات کاراسته ص ۵۵)

من شهر علم هستم و علی در آن شهر است هر که دنبال علم است باید از این در وارد شود. این روایت نشان دهنده ی فضیلت بسیار بالایی برای امام علی است. معنای این روایت شریف آن است که اگر چیزی به نام تفسیر قرآن داریم اگر چیزی به نام اعتقادات داریم اگر چیز به نام احکام و اخلاق داریم همه و همه باید از وجود مقدس امام علی سرچشمه بگیرد.

۵-۴ حدیث سدّ ابواب

این حدیث مربوط به ماجرای بستن درهای خانه های اصحاب بود که به مسجد باز می شد این دستور از طرف خداوند صادر شده بود که همه درها جز در خانه ی علی باید بسته شود.

بقیه ی اصحاب اصرار داشتند که در خانه آن ها نیز باز باشد. اما دستور از طرف خداوند بود. اگر پیامبر در خانه ی کسی را می بست به دستور خداوند بود و اگر در خانه ی کسی را باز می گذاشت باز به دستور خداوند بود.

موضوع این بود که اولین کاری پیامبر پس از هجرت به مدینه کردند. ساختن مسجد قبا بود که قبل از این که وارد مدینه شوند این مسجد را ساختند.

پس از آن امیرالمؤمنین به پیامبر ملحق شدند و هر دو وارد مدینه شدند، مسجد دیگری در مدینه ساختند که خود پیامبر نیز خانه ی خود را کنار این مسجد ساختند و در آن را به داخل مسجد باز کردند برخی دیگر از مسلمانان نیز به تاسی به پیامبر چنین کردند.

بعدها از طرف خداوند دستور آمد که همه ی درها بسته شود چ� در خانه حضرت علی و حضرت زهرا.

« ان النبی امر بسد الابواب الاباب علی ... » (ندوی ، سیره الصحابه، ج ۱، ص ۸۳۶)

این افتخار بسیار بالایی برای امام علی بود. که حضرت عمر نیز به آن اعتراف دارند که او گفت:

« سه ویژگی به علی بن ابی طالب داده شده است که اگر یکی از آنها برای من بود برایم از تمام مال دنیا بهتر بود. « یک » ازدواج او با فاطمه « دو » سکونتش در کنار پیامبر در مسجد که آن چه بر پیامبر در مسجد حلال بود بر او حلال بود « سه » پرچم جنگ خبیر که پیامبر خدا به او سپرد. » (نظامی ، سیرت حضرت علی المرتضی، ص ۴۷)

۵-۵. حدیث: من کنت مولا

تمامی نویسندگان بر بلویه بر این اتفاق دارند که ابن حدیث در سان علی است و در غدیر خم پیامبر فرمود وی پیامبر علی را بعنوان خلیفه نگفت و بلکه فقط اعلان ولایت بود.

پیامبر فرمود که: من کنت مولا فعلی مولا (احمد، مناقب علی، ص ۴۷)

۵-۶. حدیث علی (ع) برادر پیامبر (ص) در دنیا و آخرت

حدیث بعدی این بود که وقتی پیامبر اکرم میان قبایل اوس و خزرج و همچنین میان مهاجرین و انصار عقد اخوت برقرار کردند. در مورد امام علی چیزی نگفتند امام غمگین شدند و به پیامبر عرض کردند چرا میان من و هیچ یک از مسلمین اخوت جاری نکردید؟ پیامبر فرمود: تو برادر من در دنیا و آخرت هستی.

عن عمر قال اخی رسول الله بین اصحابه فجاء علی ترمع عیناه فقال اخی بین اصحابک و له تورخ بینی و بین احد فقال رسول الله انت اخی فی الدنیا و الآخرة (همان)

۵-۷. حدیث اعطای علم

جنگ خیبر میان مسلمانان و یهود بودند یهود در آن زمان خیلی مسلمانان را آزار و اذیت می کردند. پیامبر دیدند چاره ای جز با بودی آن ها نیست. مسلمانان اطراف قلعه ها را گرفتند. اما هر چه تلاش کردند نتوانستند قلعه ها را فتح کنند. اوز اول سپاه اسلام به سرکردگی ابوبکر برای فتح قلعه ی خیبر اقدام کرد اما موفق نشد. (همان ص ۵۲)

روز دوم به سرکردگی عمر اما باز هم موفقیتی حاصل نشد. (همان)

همین ناکامی ها علاوه بر حبور تر کردن یهودیان، ترس و ناامیدی عجیبی بین مسلمین به وجود آورده بود.

پیامبر نماز مغرب و عشاء را خواندند و بعد از آن فرمودند:

لا عطین الراية غداً رجلاً يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله لا يرجع حتى يفتح الله على يديه. (همان)

« فردا پرچم را به دست کسی می سپارم که خدا و پیامبرش را دوست می دارد و خدا و پیامبرش هم او را دوست می دارند. باز نمی گردد مگر آن که خداوند به دست او پیروزمان خواهد کرد.

کسی احتمال نمی داد منظور پیامبر امیرالمؤمنین باشد چون ایشان در آن ایام مبتلا به چشم درد شدیدی شده بود. اما روز بعد پیامبر اول با آب دهقان که به چشم حضرت علی مالید و علی خوب شد و بعد علم را به دست حضرت علی داد.

همانطور که قبلاً گفتیم که یکی از ویژگی های حضرت که عمر نسبت به آن حسرت می خورد همین علم دارد در خیبر بود.

۵-۸. حدیث منافق بودن دشمن علی (ع)

با این مضمون روایت زیادی نقل شده مبنی بر این که کسی علی را دوست نداشته باشد آن شخص منافق است:



عن ام سلمة قالت : قال رسول الله لا يحب عليا منافق ولا يغمضه مومن (قادری، حب علی، ص ۳۵)؛ ام سلمه گفت که پیامبر فرمودند منافق علی را دوست نمی دارد و مؤمن با علی بغض نمی ورزد.

در یک حدیث دیگر می فرماید:

قال رسول الله : من سب عليا فقد سبني (همان)؛ یعنی کسی علی را سب کند او مرا سب کرده است.

نتیجه

این تحقیق به بررسی دیدگاه مکتب بریلویه درباره حضرت علی (ع) پرداخته و نشان می دهد که ایشان در نزد پیروان این مکتب از جایگاهی والا و ممتاز برخوردار است. بریلویه، که ترکیبی از تصوف و تسنن است، حضرت علی (ع) را به عنوان نخستین امام در خلافت باطنی (ولایت) می شناسد و معتقد است که تمام اولیاءالله از نسل ایشان هستند یا دست کم به فیض وجود او محتاجند. این مکتب، حضرت علی (ع) را عالم ترین صحابه، شجاع ترین جنگاور، و پارسا ترین فرد پس از پیامبر (ص) می داند و بر فضایل بی شماری از جمله علم گسترده، شجاعت بی نظیر، و تقوای عمیق ایشان تأکید می کند.

بریلویه با استناد به احادیثی مانند حدیث منزلت، حدیث غدیر، و حدیث "انا مدینه العلم و علی بابها"، مقام حضرت علی (ع) را در حد هارون برای موسی (ع) و دروازه ای به سوی دانش پیامبر (ص) می داند. همچنین، این مکتب به زنده بودن مردگان در قبر و امکان شنیدن کلام زندگان اعتقاد دارد، که بر اهمیت زیارت قبور و توسل به اولیاء، از جمله حضرت علی (ع)، تأکید می کند.

در مجموع، بریلویه حضرت علی (ع) را نه تنها یک شخصیت تاریخی، بلکه محور ولایت و واسطه فیض الهی می داند. این دیدگاه، هرچند در چارچوب تسنن قرار دارد، اما به دلیل تأثیرپذیری از تصوف، شباهت هایی با دیدگاه شیعه درباره امامت و ولایت حضرت علی (ع) نشان می دهد. این تحقیق نشان می دهد که بریلویه با تلفیق عناصر فقه حنفی، کلام

ماتریدی، و تصوف، تفسیری منحصر به فرد از مقام حضرت علی (ع) ارائه کرده است که در عین حفظ وفاداری به سنت، بر جنبه‌های عرفانی و ولایی تأکید دارد.

فہرست منابع

۱. احمد، عقیل، مناقب علی، لاہور: ناشر نوریہ رضویہ.
۲. اعظمی، مولانا مفتی امجد علی، بہار شریعت، مکتبہ المدنیہ، ج ۱.
۳. اکبر، ثاقب، پاکستان کے دینی مسالک، اسلام آباد: ناشر البصیرہ، ۲۰۱۰.
۴. امجدی، جلال الدین احمد، خلفای راشدین، لاہور: اکبر بک سیلرز، ۲۰۱۰.
۵. اویسی، ذمحمہ فیض احمد، فضایل حضرت علی مرتضیٰ، بہاولپور: طلبا بزم فیضان اویسیہ.
۶. بریلوی، احمد رضا خان، مطلع القمرین فی ابانہ سبقہ العمرین.
۷. پانی پتی، محمد ثناء اللہ، السیف المسلول، ملتان: فاروقی کتب خانہ، ۱۹۷۹.
۸. توکلی، محمد عبدالخالق، تاریخ و سیرت سیدنا حضرت علی، لاہور: کرمان والا بک شاپ، ۲۰۱۰.
۹. چشتی، خضر حسین شاہ، خلفای رسول، گوجرانوالہ: مکتبہ چشتیہ قادریہ، ۱۹۸۵.
۱۰. رضوی، سید محمد اکبر الحق، ظہور امام مہدی کب اور کھان؟، کراچی: انجمن انوار القادریہ.
۱۱. سرور، محمد مقبول احمد، مناقب سیدنا علی مرتضیٰ، لاہور: شبیر برادرز، ۲۰۱۳.
۱۲. قادری رضوی، مولانا ظفر الدین، حیات اعلیٰ حضرت، لاہور: مکتبہ نبویہ، ۱۹۶۰.
۱۳. قادری، شاہ تراب الحق، مزارات اولیاء اور توسل، ص ۱۰۴.
۱۴. القادری، محمد حسیب، سیرت حضرت سیدنا علی مرتضیٰ، لاہور: اکبر بک سیلرز.
۱۵. قادری، محمد طفیل احمد، کشف الحقائق، فیصل آباد: چشتی کتب خانہ.
۱۶. القادری، محمد طاہر، حب علی، لاہور: منہاج القرآن، چاپ سوم، ۲۰۰۹.
۱۷. گیسودراز، سید محمد بندہ نواز، جوامع الکلم مجموعہ ملفوظات گیسودراز، لاہور: الفیصل ناشران و تاجران کتب، ۲۰۱۰.

۱۸. مجدد الف ثانی، احمد فاروقی سر ہندی، گزیدہ مکتوبات امام ربانی، زاهدان: ناشر مؤلف، ۱۳۹۰.

۱۹. محسن، محمد، سیرت پاک حضرت علی، لاہور: شاکر پبلی کیشنز، ۲۰۱۴.

۲۰. مراد آبادی، سید محمد نعیم الدین، کتاب العقاید، ناشر مکتب المدینہ.

۲۱. معطفالی، محمد نجم، نجات کاراستہ.

۲۲. منطری، مولانا حضور احمد، عقیدہ توسل، لاہور: ناشر فریدبک، ۲۰۰.

۲۳. نجیب الرحمن، سخی سلطان محمد، خلفای راشدین، لاہور: سلطان الفقر پبلی کیشنز، ۲۰۱۳.

۲۴. ندوی، معین الدین، سیرۃ الصحابہ، ج ۱، دارالاشاعت.

۲۵. نظامی، محمد راشد، سیرت حضرت علی المرتضیٰ.

۲۶. نقشبندی، غلام رسول، قاسم ولایت سیدنا علی، لندن: دارالعلوم قادریہ، ۲۰۱۴.

۲۷. نوری، محمد محب اللہ، مرتضیٰ، مشکل کشا، مولیٰ علی، اوکارہ: فقیہ اعظم پبلی کیشنز، چاپ دوم، ۲۰۰۱.